



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 32. No 4. Winter 2025

Received date: 2025.01.10

Acceptance date: 2025.04.22



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Explanation of Russia's foreign policy regarding the October 7 Gaza-Israel war from the perspective of offensive realism

Amirroham Shojaie¹, Seyed Hossein Mousavi Kordmiri², Seyed Mohammad Shafiei³



Abstract

The Gaza war, which took place after the Al-Aqsa storm operation, has caused many concerns regarding the future of the region and the possibility of its turning into an all-encompassing war with global consequences. Regional and global actors, each according to their preferences, of course, in an atmosphere full of uncertainty and unpredictable events of war, have adopted positions and taken approaches. As an important global player, Russia has always enjoyed good relations with both Hamas and Israel, and this war has presented many complex challenges and opportunities to Moscow. Based on this, the main question of the research is that Russia's foreign policy towards the Gaza war was affected by what factors, in what form of policies was it manifested and how can it be explained? The hypothesis of the research is proposed as follows: The Ukraine war and factors related to it, including things such as the conflict of interests with the West, have been the most important factors affecting Russia's approach to this war, and although Russia has adopted humanitarian diplomatic positions in condemning the war in relation to the Gaza crisis, it can be argued this way. whose approaches have been based on trying to continue this war (although not in such a way that its expansion threatens Russia's interests). The method of analytical-explanatory research and the method of data collection is library.

Keywords: Offensive Realism, Foreign Policy, Russia, Gaza War, Ukraine War.

1 - PhD student in International Relations, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

2 - PhD student in Regional Studies, Middle East Orientation, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran.

3 - Master's student in International Relations, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۴، پیاپی (۱۱۸)، زمستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: پژوهشی

تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال جنگ ۷ اکتبر غزه و اسرائیل از منظر رئالیسم تهاجمی

امیرهام شجاعی^۱، سید حسین موسوی کردمیری^۲، سید محمد شفیع^۳



چکیده

جنگ غزه که متعاقب عملیات طوفان الاقصی به وقوع پیوست، نگرانی‌های فراوانی را در رابطه با آینده منطقه و احتمال تبدیل آن به یک جنگ فراگیر با پیامدهای جهانی در پی داشته است. بازیگران منطقه‌ای و جهانی هر یک با توجه به ترجیحات خویش، البته در یک فضای سرشار از عدم قطعیت و رخداد‌های غیر قابل پیش‌بینی جنگ، مواضعی را اتخاذ نموده و رویکردهایی را در پیش گرفته‌اند. روسیه به‌عنوان یک بازیگر مهم جهانی، همواره از روابط مناسبی هم با حماس و هم با اسرائیل برخوردار بوده و این جنگ، چالش‌ها و فرصت‌های متعدد و پیچیده‌ای را پیش روی مسکو نهاده است. بر همین اساس، سوال اصلی پژوهش این است که سیاست خارجی روسیه در قبال جنگ غزه متأثر از چه عواملی بود، در قالب چه سیاست‌هایی متجلی شده و چگونه قابل تبیین می‌باشد؟ فرضیه پژوهش این گونه مطرح می‌شود که جنگ اوکراین و عوامل مرتبط با آن از جمله مواردی مانند تضاد منافع با غرب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رویکرد روسیه در قبال این جنگ بوده‌اند و روسیه در رابطه با بحران غزه اگرچه مواضع دیپلماتیک بشردوستانه در نكوهش جنگ اتخاذ نموده، اما در عمل می‌توان این گونه استدلال نمود که رویکردهای آن مبتنی بر تلاش جهت استمرار این جنگ (نه به گونه‌ای که گسترش آن منافع روسیه را مورد تهدید قرار دهد)، بوده است. برای سنجش فرضیه فوق، فرصت‌ها، چالش‌ها و رفتار سیاست خارجی روسیه در رابطه با جنگ غزه از دریچه واقع‌گرایی تهاجمی مورد تبیین قرار خواهند گرفت. شیوه انجام پژوهش تحلیلی-تبیینی و روش گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: رئالیسم تهاجمی، سیاست خارجی، روسیه، جنگ غزه، جنگ اوکراین.

۱- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Amir6776roham@gmail.com

۲- (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش خاورمیانه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

hossein.mousavi78s@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Mohammadsei220@gmail.com

مقدمه

بدون شک عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نقطه عطفی در رخدادهای خاورمیانه به شمار می‌آید. از نقطه نظر روابط بین‌الملل، این رویداد را می‌توان در سه سطح روابط اسرائیل و فلسطین، محیط امنیتی خاورمیانه و ابعاد کلان آن در سیاست بین‌الملل مورد واکاوی قرار داد. از منظر کلان در سیاست بین‌الملل، این جنگ را می‌توان یک کانون بحران در منطقه و جهان قلمداد نمود. با در نظر گرفتن جنگ فوق به‌عنوان یک بحران چند بُعدی و تشریح و تبیین سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل در قبال آن، علاوه بر آنکه یک مساهمت پژوهشی مفید تلقی می‌شود، می‌تواند جنبه‌های خاصی از آینده این بحران را پیش روی پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار بدهد. یکی از قدرت‌های بزرگی که تبیین سیاست خارجی آن در قبال این بحران، مستلزم توجه به پارامترها و متغیرهای پیدا و پنهان زیادی است، فدراسیون روسیه می‌باشد. روسیه که از فوریه ۲۰۲۲ (اسفند ۱۴۰۰) درگیر جنگ اوکراین است، به ناچار و به اقتضای جنگ، تغییر و تحولاتی را در سطوح گوناگون در راهبردها و رویکردهای سیاست خارجی خود به وجود آورده است. از جمله این تغییرات می‌توان به مواردی چون نزدیکی بیشتر به کشورهای خاورمیانه، خصوصاً کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، تعمیق بخشی به روابط با کشورهای دوست مانند چین، نزدیکی با جمهوری آذربایجان و حفظ نفوذ در قفقاز و تنوع بخشی به روابط جهانی خود اشاره نمود. در رابطه با مسئله فلسطین، رویکرد روسیه متأثر از متغیرهای خارجی و داخلی است. به لحاظ تاریخی و تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روابط مسکو با اسرائیل بیشتر متأثر از فضای دو قطبی جنگ سرد و بازنمایی اسرائیل به‌عنوان نماینده غرب در خاورمیانه بود. در این حین مسکو از روابط خوبی با گروه‌های فلسطینی از جمله جنبش فتح برخوردار بود (Katz, 2010؛ کولایی، ۱۳۹۲: ۳۳۰-۳۱۵).

هم‌زمان با جنگ سرد، خصومت زیادی در روسیه نسبت به اسرائیل وجود داشت که با یهودی‌ستیزی عمیق داخلی و سوءظن کرملین نسبت به تقسیم وفاداری یهودیان شوروی پس از ایجاد کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ مرتبط بود. اتحاد جماهیر شوروی به طور فعال یهودیان شوروی را برای خروج از کشور جهت اسکان در اسرائیل یا هر جای دیگری برای این موضوع منع کرده بود. در داخل شوروی نیز توجه زیادی به ایجاد روابط با سازمان آزادی‌بخش فلسطین و کشورهای عربی مخالف دولت اسرائیل وجود داشت (Hill & Huggard, 31 January 2024). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خصوصاً با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ میلادی و اتخاذ رویکرد عمل‌گرایانه در سیاست

خارجی، روابط روسیه و اسرائیل به سمت بهبود حرکت کرد. مسکو با سیاست عمل‌گرایانه، نه تنها روابط با اسرائیل را بهبود بخشید بلکه با گروه‌ها و جنبش‌هایی چون حماس و سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز روابط برقرار کرد. در همین مورد و در راستای تلاش‌های خود برای ایجاد انسجام میان گروه‌های فلسطینی جهت دستیابی به مواضع مشترک میان آن‌ها، با وجود اختلافات ایدئولوژیک موجود، تلاش‌هایی را به انجام رساند.

اگرچه روابط روسیه و اسرائیل با فراز و فرودهایی برخوردار بوده، اما در مجموع از زمان روی کار آمدن پوتین، فضای مثبتی بر روابط میان آن‌ها حاکم شده است. از جمله دلایل روابط نزدیک روسیه و اسرائیل می‌توان به عواملی چون جامعه ثروتمند یهودیان روس‌تبار اسرائیل و تلقی مسکو از اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر مهم در خاورمیانه در کنار ایران و عربستان اشاره نمود. یکی از رویکردهای اصلی پوتین خصوصاً در خاورمیانه همواره مبتنی بر این اصل بوده که روسیه باید با تمامی بازیگران روابط خوبی داشته باشد. در رابطه با مسئله فلسطین نیز، روسیه با اتخاذ یک موضع بینابینی سعی کرد با دو طرف دعوا روابط خوبی داشته باشد. اتخاذ این موضع همان‌گونه که گفته شد، هم مبتنی بر زمینه‌های تاریخی است و هم مبتنی بر سیاست کلان روسیه در خاورمیانه. با این حال، جنگ اوکراین به‌عنوان شدیدترین درگیری نظامی در اروپا بعد از جنگ جهانی دوم، موقعیت روسیه را به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند جهانی با چالش‌هایی مواجه کرد. علاوه بر جنگ اوکراین، جنگ غزه که متعاقب وقایع ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به وقوع پیوست، چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای روسیه به همراه داشته است. بر همین اساس در این مقاله، پرسش اصلی این است که سیاست خارجی روسیه در قبال جنگ غزه متأثر از چه عواملی است، در قالب چه سیاست‌هایی متجلی می‌شود و چگونه قابل تبیین می‌باشد؟ برای پاسخ به پرسش فوق، با بهره‌گیری از گزاره‌ها و استدلال‌های رئالیسم تهاجمی، با در نظر گرفتن جنگ اوکراین و اثرات آن به‌عنوان متغیر مستقل و سیاست خارجی روسیه در قبال جنگ غزه به‌عنوان متغیر وابسته، چالش‌ها و فرصت‌های روسیه در این جنگ تبیین می‌شود و سپس رفتار سیاست خارجی و مواضع آن در قبال جنگ فوق، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. شایان ذکر است که علی‌رغم تعدد آثار موجود در رابطه با جنگ غزه و تحلیل ابعاد مختلف آن، تا کنون یک پژوهش علمی به بررسی نقش روسیه در این بحران و فرصت‌ها و چالش‌های مسکو در این مورد نپرداخته است. همچنین فقدان آثار علمی موجود به دلیل تازگی موضوع، بر پیچیدگی‌های تحلیل سیاست روسیه در این رابطه افزوده و ضرورت‌های وجود یک

نگاه علمی و تئوری به این مسئله را ضروری می‌سازد. مسئله‌ای که دغدغه اصلی این پژوهش نیز به شمار می‌آید.

چارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی

رئالیسم تهاجمی به‌عنوان یکی از شاخه‌های رئالیسم سیاسی، معتقد است که دولت‌ها به دلیل منافع شخصی، به حداکثر رساندن قدرت و ترس از دولت‌های دیگر، تمایل به رقابت و درگیری دارند و استدلال می‌کند که دولت‌ها موظف هستند این گونه رفتار کنند زیرا انجام این کار بقا را تضمین خواهد کرد (Johnson et al, 2016: 1). مرشایمر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان رئالیسم تهاجمی نظریه خود را بر اساس پنج فرض بنا می‌کند: نخست؛ در نظام بین‌الملل هرج و مرج وجود دارد، به این معنی که هیچ قدرت قهری و برتری سلسله‌مراتبی وجود ندارد که بتواند محدودیت‌هایی را برای رفتار دولت‌ها تضمین کند. دوم؛ همه قدرت‌های بزرگ دارای قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند که می‌توانند از آن علیه سایر کشورها استفاده کنند. سوم؛ دولت‌ها هرگز نمی‌توانند مطمئن باشند که سایر کشورها از استفاده از قابلیت‌های نظامی تهاجمی خودداری خواهند کرد. چهارم، دولت‌ها بالاتر از سایر اهداف، به دنبال حفظ بقای خود هستند زیرا بقا وسیله‌ای برای رسیدن به سایر اهداف است، و در نهایت پنجم؛ دولت‌ها بازیگران منطقی هستند، به این معنی که آنها پیامدهای فوری و بلندمدت اقدامات خود را در نظر می‌گیرند و به طور استراتژیک در مورد چگونگی بقا فکر می‌کنند (Mearsheimer, 2001: 30).

در حقیقت استدلال رئالیسم تهاجمی این است که در یک سیستم بین‌المللی پر از ابهامات در مورد نیت سایر دولت‌ها، پیگیری افزایش قدرت روزافزون و حداکثری، بهترین راه برای قدرت‌های بزرگ جهت تضمین بقای خود است. رئالیست‌های تهاجمی مانند مرشایمر استدلال می‌کنند که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند واقعاً امن باشند و تنها از طریق به حداکثر رساندن قدرت می‌توانند بقای خود را تضمین کنند (Ibid: 61). از منظر رئالیسم تهاجمی، هیچ مقدار قدرتی وجود ندارد که یک دولت بتواند به آن راضی باشد (Ibid: 2). دلیل اینکه مرشایمر اجتناب‌ناپذیر بودن توازن قدرت را رد می‌کند، ریشه در مشکلات کنش جمعی و ایجاد تعادل دارد. از آنجایی که دولت‌ها از متحمل شدن هزینه‌های به چالش کشیدن دولت‌های قوی از طریق اتحاد با دولت‌های ضعیف‌تر محتاط هستند، زمانی که امنیت خودشان در معرض خطر جدی قرار گیرد، آن‌ها را پشت سر می‌گذارند؛ به این معنی که به دولت‌های دیگر اجازه می‌دهند قدرت تهدیدکننده را متعادل کنند (Ibid: 39-40). رئالیسم تهاجمی، کسب امنیت از

طریق افزایش روزافزون قدرت و کسب هژمونی منطقه‌ای را از طریق راهبردها و رویکردهای متفاوتی تبیین و تجویز می‌کند از جمله:

۱. جنگ: بحث برانگیزترین مفهوم در این نظریه جنگ است که قدرت‌های بزرگ می‌توانند به کار بگیرند تا سهم خود را از قدرت جهانی افزایش دهند.
۲. باجگیری: یک دولت می‌تواند بدون جنگ، از طریق تهدید به استفاده از زور، قدرت خود را علیه قدرت رقبایش افزایش دهد. تهدیدات قهرآمیز و ارباب بدون استفاده واقعی از زور، نتایج مورد نظر را حاصل می‌کند.
۳. طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش: استراتژی سومی است که دولت‌ها برای افزایش قدرت نسبی خود به کار می‌برند. این استراتژی شامل ایجاد درگیری بین دو رقیب در یک جنگ طولانی می‌باشد تا به این وسیله آن‌ها یکدیگر را از بین برده و تضعیف کنند؛ این درحالی است که کشور طعمه‌گذار در حاشیه و قدرت نظامی آن دست نخورده باقی می‌ماند.
۴. آتش‌بیاری معرکه: استراتژی آتش‌بیاری معرکه نسخه‌ای نویدبخش‌تر از استراتژی طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش می‌باشد. در این استراتژی، هدف اطمینان یافتن از آن است که هرگونه جنگ بین رقبای تبدیل به یک منازعه طولانی و پرهزینه شود تا قدرت و توان رقبای تضعیف کند. کشوری که این استراتژی را اتخاذ نموده، به طور اساسی به دنبال کشت و کشتار رقبای مقابل یکدیگر می‌باشد (نیاکویی و شجاعی، ۱۴۰۲ به نقل از مرشایمر، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۶۴). مطابق گزاره‌های مطرح شده در رئالیسم تهاجمی، وقوع یک بحران این فرصت را برای بازیگران ایجاد می‌کنند تا با بهره‌گیری از رویکردهای گوناگون، با درگیر ساختن رقبای در یک دوره زمانی، باعث افزایش قدرت نسبی و متعاقباً امنیت نسبی خود شوند. از دریچه همین رویکرد، سیاست خارجی روسیه در قبال بحران غزه مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

۱- پیشینه روابط روسیه با حماس و اسرائیل

در دوران تصدی ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه، اصول سیاست خارجی این کشور دستخوش تغییر قابل توجهی شد و با اتخاذ رویکرد عمل‌گرایانه، حفظ منافع ملی روسیه در ژئوپلیتیک خاورمیانه را مورد توجه قرار داد. سیاست خارجی روسیه در این دوره، برای پیشبرد منافع ملی خود از طریق برقراری روابط جدید، رقابت و همکاری با سایر کشورها، اعمال نفوذ مجدد در مسائل انرژی و اقتصادی منطقه و حفظ ائتلاف‌ها تلاش کرد (Akhtar et al, 2022: 783). وضعیت دشوار موجود در

نوار غزه، مسکو را به ایفای نقش پررنگ‌تر در این عرصه ترغیب کرد. از دیدگاه پوتین، روسیه باید برای تسهیل بازگشت مسکو به منطقه، در مسئله فلسطین ورود پیدا می‌کرد. به طور کلی ورود روسیه به مسئله فلسطین مستلزم برقراری ارتباط این کشور با حماس بود که از سال ۲۰۰۶ این مهم صورت گرفت که با توجه به ارتباط مسکو-تل‌آویو، این عمل روسیه با واکنش منفی و خشم اسرائیل روبه‌رو شده بود. روسیه پس از پیروزی حماس در انتخابات قانون‌گذاری فلسطین در سال ۲۰۰۶، پذیرای مقامات این گروه در مسکو بود. این دیدار از یک جهت نظم سنتی آمریکا در مسئله فلسطین را به چالش می‌کشید. در مجموع همگرایی روسیه و حماس را در دو عامل می‌توان بررسی کرد:

الف) تلاش حماس برای گذر از انزوا: در کوتاه مدت روسیه شریک بسیار مهمی برای حماس محسوب می‌شود؛ عضویت روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد که دارای حق وتو است، تأثیر مثبتی جهت مقابله با آمریکا و اسرائیل برای جلوگیری از تحرکات مبنی بر به انزوا کشیدن فلسطین ایفا می‌کند. از سوی دیگر حماس به دنبال افزایش شرکا و تقویت جایگاه خود در عرصه بین‌المللی است (میدل ایست نیوز، ۱۷ فروردین ۱۳۹۹).

ب) تلاش برای احیای روابط سوریه-حماس: در جریان تحولات بهار عربی و شروع اعتراضات و درگیری‌های داخلی در سوریه، حماس در کنار مخالفان دولت بشار اسد قرار گرفت و از مخالفین حمایت کرده بود. به همین دلیل روسیه سعی کرد با نزدیکی به حماس، این گروه را به برقراری مجدد مناسبات با دولت سابق سوریه باز گرداند. از این رو اسماعیل هنیه در ۴ مارس ۲۰۲۰، از سوریه به‌عنوان حامی قدیمی حماس یاد کرده بود و هر گونه حضور نیروهای حماس در جریان جنگ داخلی سوریه را تکذیب و در نشست مشترک خود با وزیر خارجه وقت روسیه، آمادگی حماس را برای نقش‌آفرینی در پایان دادن به بحران سوریه اعلام داشت (میدل ایست نیوز، ۱۷ فروردین ۱۳۹۹).

در مورد دلایل نزدیکی روابط روسیه و اسرائیل نیز باید گفت که ارتباط بین روسیه با اسرائیل تنها مربوط به دوره پوتین نمی‌باشد، بلکه اتحاد جماهیر شوروی تحت نظر استالین اولین کشوری بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و مسکو در دوران اولیه جنگ سرد، تا زمان جنگ شش روزه بین اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۷ روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل حفظ کرد. پس از اینکه پوتین در اواخر سال ۱۹۹۹ به قدرت رسید، آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل در اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی با وی ملاقات داشت؛ این در حالی بود که اکثر رهبران غربی در مورد دخالت پوتین در چچن و وقوع رویداد بسلان با همکاری اطلاعاتی روسیه با اسرائیل این کشور را مورد انتقاد قرار دادند، ولی شارون، پوتین را ستایش

کرد. استدلال شارون این بود که روسیه و اسرائیل هر دو توسط تروریست‌های مسلح (چچن و فلسطین) تهدید می‌شوند. پوتین نیز در نخستین سفر خود به اسرائیل در سال ۲۰۰۵ حمایت شدید خود را از امنیت کشور یهود ابراز داشت (شریف‌زاده، ۱۴۰۳). همچنین اسرائیل از بدو تشکیل فدراسیون روسیه با توجه به نفوذ آن در خاورمیانه به‌ویژه بعد از حضور نظامی در سوریه در سال ۲۰۱۵ و تبدیل شدن آن به بازیگری تعیین‌کننده و اثرگذار در معادلات خاورمیانه، تمایل به برقراری ارتباط نزدیک با روسیه داشته است.

در نهایت با توجه به قدرت‌گیری محور مقاومت در دو دهه اخیر، افزایش قدرت ایران در منطقه، نزدیکی روسیه به محور شیعی خاورمیانه و نگرانی اسرائیل از بابت مرزهایش، گسترش ارتباط با روسیه می‌توانست عاملی برای دلگرمی تل‌آویو باشد تا مسکو مانع اقداماتی علیه مرزهایش شود (Barmin, 2016). از سوی دیگر با توجه به نزدیکی اسرائیل با آمریکا و حمایت‌های اقتصادی و میزان تجارت‌های بالای آن با اروپا، اسرائیل می‌تواند کارت لابی مناسبی برای روسیه در زمان‌های مختلف جهت رایزنی با آمریکا و اروپا باشد (Borshchevskaya, 15 April 2016)؛ چرا که نزدیکی روابط روسیه و اسرائیل به شکل گسترده‌ای در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و به‌ویژه گردشگری در جریان است که اسرائیل مقصد تعداد زیادی از گردشگران روسی می‌باشد که سالانه از اماکن گردشگری پذیر اسرائیل دیدن می‌کنند؛ البته در مقابل، این امر برای گردشگران اسرائیلی نیز صادق است. این حجم گسترده از روابط ریشه در حداقل سه دهه اخیر دارد و به گونه‌ای بوده که کاهش ناگهانی یا قطع روابط، آسیب‌های فراوانی برای دو طرف خواهد داشت.

۲- جنگ اوکراین و تأثیرات عمیق آن بر روسیه

پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، حجم زیادی از تحریم‌ها از سوی غرب علیه مسکو اعمال شد که از جمله بسته‌ای تحریمی در ۲۲ اوت ۲۰۲۴ که شامل تحریم ۴۰۰ فرد و نهاد بین‌المللی می‌باشد. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده اعلام کرد که با اعمال تحریم‌های جدیدی علیه صدها نهاد، قصد دارد زنجیره‌های تأمین روسیه را مختل سازد و کانال‌هایی که کرملین برای دور زدن تحریم‌های موجود استفاده می‌کند را مسدود کند. بسته تحریم‌های جدید شامل اقداماتی علیه تعدادی از شرکت‌های فناوری مالی، شرکت‌های دفاعی و شرکت‌های معدنی بود. افرادی که به روسیه در تهیه تجهیزات نظامی، ماشین‌آلات و مهمات از تأمین‌کنندگان خارجی، از جمله فناوری دو منظوره کمک می‌کنند نیز مورد هدف تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفتند. نهادهای هدف قرار گرفته شامل

شرکت‌هایی مستقر در ایتالیا، فرانسه، ترکیه، چین، هنگ‌کنگ و امارات متحده عربی و تعدادی از شرکت‌ها و افرادی که متهم به کمک به روسیه در جابه‌جایی طلا یا سلاح هستند، می‌شوند (اکو ایران، ۳ شهریور ۱۴۰۳). بر اساس داده‌های دولت روسیه، تولید ناخالص داخلی این کشور در سه ماهه سوم سال ۲۰۲۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵.۵ درصد رشد داشته است. اما بیشتر این رشد توسط هزینه‌های نظامی کشور تقویت شد. از طرفی کرملین برنامه‌هایی برای هزینه کردن ۳۶/۶ تریلیون روبل یا ۳۸۶ میلیارد دلار برای دفاع در سال ۲۰۲۴ اختصاص داده است. هر چند دستمزد نظامی، مهمات، تانک‌ها، هواپیماها و غرامت سربازان کشته و مجروح، همگی به ارقام تولید ناخالص داخلی کمک می‌کنند. به زبان ساده، جنگ علیه اوکراین عامل اصلی رشد اقتصادی روسیه شده است. اما با طولانی شدن جنگ، سایر بخش‌های اقتصاد روسیه آسیب می‌بینند، زیرا مسکو با کمبود شدید نیروی کار مواجه شده است؛ بعضی از آنها در جنگ شرکت می‌کنند و بعضی نیز از کشور خارج می‌شوند. طبق یک برآورد، روسیه اکنون حدود ۵ میلیون کارگر کم دارد که نتیجه آن افزایش دستمزدها خواهد بود. تورم ۷/۴ درصد روسیه تقریباً دو برابر هدف بانک مرکزی آن است که ۴ درصد پیش‌بینی کرده بود. در همین حال، بر اساس داده‌های بانک مرکزی روسیه، سرمایه‌گذاری مستقیم در این کشور سقوط کرده و در ۹ ماهه اول سال ۲۰۲۳ حدود ۸/۷ میلیارد دلار کاهش داشت. همه اینها بدون توجه به نتیجه جنگ در اوکراین، کرملین را در موقعیت سختی قرار می‌دهد (Bryanski & Korsunskaya, 21 November 2024). حتی اگر روسیه پیروز جنگ شود، این کشور به دلیل هزینه‌های مالی و همچنین تأثیر منزوی ماندن از بقیه بازار جهانی، نمی‌تواند از پس بازسازی و امنیت اوکراین برآید. عدم همکاری گسترده کشورهای غربی با روسیه هم‌زمان با آغاز جنگ اوکراین باعث می‌شود رشد اقتصادی بلندمدت این کشور با کاهش چشمگیری مواجه شود. هر چند روسیه سعی می‌کند با نزدیکی به چین تا حدودی در پی جبران خسارت‌های وارده بر آید، اما به نظر همچنان ضعف ساختاری اقتصاد آن نمایان خواهد بود. ولادیمیر پوتین در جمع فعالان در تولا^۱، پایتخت صنعت تسلیحات روسیه، گفت که اقتصاد این کشور تحریم‌های غرب را که پس از حمله به اوکراین اعمال شده بود، شکست داده است (Stognei & Seddon, 2 February 2024). هر چند ممکن است تأثیر کوتاه‌مدت تحریم‌ها بر ساختار اقتصادی و سیاسی روسیه چندان دیده نشود، اما در دراز مدت نه تنها بر مشکلات داخلی خواهد افزود، بلکه باعث

ایجاد اختلاف در حجم صادرات و واردات و همچنین کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و عدم استقبال سرمایه‌گذاران از این کشور خواهد شد. البته در شرایط فعلی نیز وجود تحریم‌ها باعث افزایش هزینه در تبادلات خارجی این کشور شده است. تا جایی که کاهش ارزش روبل روسیه در برابر دلار آمریکا در سال ۲۰۲۳ حدود ۳۰ درصد برآورد شده است.

۳- طوفان‌الاقصی: فرصتی برای روسیه جهت انحراف تمرکز غرب از جنگ اوکراین

درگیری روسیه در جنگ فرسایشی اوکراین، کند شدن پیشروی ارتش این کشور و در برخی مواقع ضد حملات ارتش اوکراین باعث شده بود که هم واکنش‌های بین‌المللی بالایی علیه مسکو اتخاذ شود و هم این طور القا شود که کنترل جنگ از دست روسیه خارج شده است. اما با آغاز عملیات طوفان‌الاقصی، شرایط در نظام بین‌الملل و خاورمیانه دچار تغییر و تحول شد. با فرسایش جنگ بین اسرائیل و حماس، تغییر کانون توجه از اوکراین به سمت اسرائیل و غزه و درگیری آمریکا و متحدان اروپایی در منطقه خاورمیانه، فرصتی برای تجدید قوا و تغییر موازنه جنگ برای روسیه فراهم آمد. در چنین شرایطی آمریکا نیز نمی‌تواند مانند عرصه اوکراین نقش ناجی را در خاورمیانه در قبال جنگ اخیر ایفا کند چرا که آمریکا و شخص بایدن انتظار چنین عملیاتی را نداشتند (شفيعی و گل‌محمدی، ۱۴۰۳: ۴۲-۴۶). حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل را می‌توان مانند رویداد پرل‌هاربر^۱ در نظر گرفت که یک جبهه کاملاً جدید را در آنچه اکنون به مجموعه‌ای از درگیری‌های جهانی تبدیل شده است، باز می‌کند. مجموعه جهانی از درگیری‌ها به جای یک درگیری، زیرا همه آنها در هم تنیده شده‌اند که بازیگرانی مانند روسیه و آمریکا در هر دو درگیری دخالت دارند (brookins, 31 January 2024). در چنین شرایطی روسیه سعی می‌کند علی‌رغم واکنش‌های ضمنی در قبال جنگ غزه و اسرائیل و اعلام خویشتن‌داری از سوی طرفین جنگ که توجه جامعه بین‌المللی را بیشتر از هر مسئله‌ای به خود معطوف ساخته است، اهداف خود در جنگ اوکراین را بهتر از قبل به کرسی بنشانند زیرا در کنار حمایت‌های اروپا به اوکراین، ایالات متحده از اصلی‌ترین حامیان کی‌یف بود اما با آغاز جنگ اسرائیل و غزه، بخش زیادی از تمرکز و ارسال تسلیحات و منابع مالی آمریکا معطوف به اسرائیل شد که این عامل باعث خوشنودی روسیه می‌شود.

۴- جنگ غزه، فرصتی برای روسیه جهت تقویت جبهه جنوب جهانی

با توجه به چالش‌های روسیه در طول جنگ با اوکراین، پوتین سعی کرد متحدانی در جبهه جنوب جهانی^۱ پیدا کند تا جنگ روسیه علیه اوکراین را به جنگ علیه ناتو و آنچه که مسکو به عنوان استعمار غربی توصیف می‌کند، نشان دهد. از این جهت پس از آغاز جنگ اسرائیل و حماس، پوتین در چند روز اول سکوت کرد که احتمالاً در حال ارزیابی هزینه‌ها و منافع آن برای روسیه بود. اما پس از آن، بدون پرداختن مستقیم به مسئله جنگ، آن را نمونه بارز شکست سیاست آمریکا در خاورمیانه خواند که هرگز باعث دفاع از منافع ایالات متحده نشده است. به همین منظور روسیه قطعنامه‌ای را در شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرد که خواستار آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها شد اما ایالات متحده این قطعنامه را به دلیل عدم اشاره به آغاز حمله از سوی حماس وتو کرد. روسیه نیز چند ماه بعد و در مقابل کنش آمریکا، قطعنامه دیگری را که از سوی ایالات متحده ارائه شده بود، وتو کرد (Freedman, 13 May 2024). پوتین بعدها در سخنرانی خود تأکید کرد که روسیه روابط دیرینه و محکمی با جهان عرب به طور کلی و با فلسطین به طور خاص دارد که مسکو برای آن ارزش زیادی قائل است. در این راستا کمک‌های بشردوستانه‌ای در مراحل مختلف، از سوی این کشور برای مردم غزه ارسال شد. همچنین پوتین روسیه را به عنوان کشوری که همیشه خواستار حل و فصل مسألت‌آمیز مناقشه فلسطین و اسرائیل هست، معرفی کرد.

دمیتری پسکوف^۲، سخنگوی کرملین نیز در مصاحبه‌ای در رابطه با جنگ اسرائیل و غزه، موضع روسیه را متعادل عنوان کرد و تلاش بی‌طرفانه این کشور در گفتگو با طرفین جنگ را مورد تأکید قرار داد. به گفته سخنگوی ریاست جمهوری روسیه، پایبندی به مواضع متوازن از سوی مسکو در قبال هر دو طرف درگیری و حفظ تماس با آنها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی روابط روسیه و فلسطین و همچنین روسیه و اسرائیل را تاریخی و طولانی دانست و نگرانی متقابل برای امنیت شهروندان روسی که به اسرائیل نقل مکان کرده‌اند را عامل اتحاد با اسرائیل معرفی کرد و آمادگی و ظرفیت روسیه در حل و فصل مناقشه میان دو طرف را امری مهم در بحران اخیر اعلام کرد (Tass, 11 October 2023). با وجود واکنش‌های فوق، به نظر می‌رسد گسترش دامنه‌های تنش و درگیری میان اسرائیل و غزه منافع فراوانی برای روسیه داشته باشد. با وجود آنکه روسیه در آغاز این بحران و گسترش ابعاد آن نقشی

1 - Global South

2 - Dmitry Peskov

نداشت، اما تا این لحظه اقدام مؤثری نیز برای اتمام آن انجام نداده است. تحولات اخیر خاورمیانه در کنار اینکه مسکو را به تغییر نتایج جنگ با اوکراین به نفع خود بیش از پیش امیدوار می‌کند، این خوانش را از نظر روسیه متبادر می‌سازد که با ادامه سیاست‌های فعلی در خاورمیانه، مشروعیت سیستم بین‌الملل بر پایه ارزش‌های غربی زیر سؤال رفته و با ضعف روبه‌رو خواهد شد. در همین رابطه روسیه سعی کرد از تنش سیاسی و نظامی بین ایران و رژیم اسرائیل که متعاقب حملات اسرائیل به مراکز دیپلماتیک ایران در سوریه اتفاق افتاده بود، با درخواست نشست فوری شورای امنیت، در تخریب چهره و جایگاه بین‌المللی غرب اقدام کرده و آن را محکوم کند. نماینده روسیه در شورای امنیت اصلی‌ترین عامل تحریک‌کننده اسرائیل در انجام چنین اقداماتی را حمایت‌های غرب از آن دانست و هر گونه پاسخ ایران را یک اقدام طبیعی تلقی کرد که نتیجه تصمیمات یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده و متحدانش بوده است. چنین رویکردی از طرف روسیه نشان می‌دهد که این کشور در تلاش است تا از دل بحران‌های بین‌المللی فرصت‌هایی را برای مقابله، تخریب و تضعیف نظم بین‌المللی غرب محور استفاده کند. در رابطه با جنگ غزه و اسرائیل نیز سعی کرد تا با اعلام مواضع خویش در شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل، با استقبال از طرح دو دولتی و اجرای آتش‌بس، جلوگیری از کشتار غیر نظامیان و ارسال کمک‌های بشردوستانه، نقش منطقه‌ای خود در بین کشورهای عربی را پررنگ‌تر جلوه داده و در مقابله با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه غرب برای تشدید جنگ در نوار غزه عمل کند. از منظر رئالیسم تهاجمی، اقدامات نسبتاً متعادل روسیه در کنار انتقادات شدید از آمریکا را می‌توان جلوه‌هایی از تمایل مسکو به فرسایشی شدن جنگ در کنار تخریب وجهه آمریکا در نظر گرفت. همچنین طبق آنچه رئالیسم تهاجمی در مسئله کسب امنیت از طریق افزایش قدرت و کسب هژمونی برای بازیگران تعریف می‌کند، بر اساس استراتژی آتش‌بیاری معرکه، فرسایشی شدن جنگ و درگیری رقبا در آن، که منجر به افزایش هزینه‌ها شود، می‌تواند قدرت آنها را تضعیف کرده و در مقابل کشور حریف در رسیدن به اهداف خود مسیر بهتری را طی خواهد کرد. در رابطه با جنگ غزه و اسرائیل نیز روسیه سعی دارد از تغییر به چالش کشیدن اقدامات و مواضع ایالات متحده و جهان غرب، نه تنها برای آنها هزینه ایجاد کند، بلکه موضع خود را به عنوان قدرتی که خواستار اتخاذ رویکردی متفاوت از آمریکا در این رابطه است، به کشورهای غیر غربی القا نماید.

۵- سیاست روسیه در قبال بحران غزه

با وجود آنکه رویکرد مسکو به مناقشه اسرائیل و فلسطین از سال ۱۹۴۸ مبتنی بر حفظ روابط بین دو طرف دعوا بود، پس از عملیات طوفان الاقصی شرایط به گونه‌ای پیش رفته که روسیه را به سمت موضع آشکار طرفداری فلسطین و انتقاد شدید از واکنش نظامی تل‌آویو سوق داد و تحرکات اسرائیل را بیشتر از اینکه شبیه به اقدامات جنگی بدانند، به اقدامی برای از بین بردن دسته جمعی غیر نظامیان تشبیه کرد. با این وجود در حالی که روابط مسکو و تل‌آویو به دلیل اظهارات ضد اسرائیلی مقامات روسی تا حدودی رو به تیرگی رفت، اما روابط بنیادین و تاریخی آنها همچنان محفوظ ماند (Freedman, 13 May 2024). روسیه سعی کرد خطوط قرمز اسرائیل را حفظ کرده و از مسلح کردن حماس و دیگر گروه‌های شبه نظامی خودداری کند. البته در این رابطه به نظر می‌رسد در صورت حمایت نظامی روسیه از گروه‌های درگیر با اسرائیل، ممکن بود اقدام متقابل از سوی اسرائیل نیز در حمایت از اوکراین صورت بگیرد. از این جهت، پذیرش طرح دو کشوری از سوی روسیه بهترین راه برای پایان منازعات بین طرفین عنوان شد.

در همین راستا، تحرکات روسیه و دیپلماسی سطح بالای آن را می‌توان در درجه اول به خدمت گرفتن سیاست کشورهای طرفدار فلسطین به سمت خود برای فرار از انزوای دیپلماتیک ناشی از جنگ در اوکراین دانست. تعامل روسیه با فلسطین، چیزی فراتر از آرمان فلسطین است که به دنبال تقویت جایگاه و وجهه خود در جهان عرب می‌باشد؛ آن هم با نشان دادن اینکه آنها با آرمان فلسطین همبستگی دارند، در حالی که آمریکایی‌ها از اسرائیل حمایت می‌کنند. در یک نگاه کلان این موضوع را می‌توان هم‌راستا با قدرت نرم روسیه در خاورمیانه در نظر گرفت. از سوی دیگر بر خلاف ایالات متحده و اتحادیه اروپا، روسیه حماس را به‌عنوان یک سازمان در لیست سیاه تروریستی خود قرار نداده است. مسکو علاوه بر حمایت از فلسطین، مجبور است کشورهای غربی را به دلیل حمایت از اسرائیل نیز مورد انتقاد قرار دهد. آنچه که مشهود است اینکه روسیه امروز موضعی ضد غربی و در نتیجه ضد اسرائیلی دارد. به‌عنوان مثال، روسیه و چین روز جمعه ۲۲ مارس قطعنامه پیشنهادی آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر درخواست آتش‌بس فوری و پایدار در نوار غزه را با هدف حفاظت از غیر نظامیان و ایجاد امکان امدادرسانی بشردوستانه به بیش از دو میلیون فلسطینی وتو کردند. واسیلی

نبنزیا^۱، سفیر روسیه در سازمان ملل متحد پیش از رای‌گیری اعلام کرد که مسکو از آتش‌بس فوری در نوار غزه حمایت می‌کند. با این حال او ضمن زیر سوال بردن لحن قطعنامه، آنتونی بلینکن^۲، وزیر خارجه ایالات متحده و لیندا توماس گرینفیلد^۳، سفیر آمریکا در سازمان ملل را به انحراف افکار جامعه بین‌المللی با مقاصد سیاسی متهم کرد. در مقابل آمریکا نیز قطعنامه بعدی برای درخواست آتش‌بس غزه را در شورای امنیت وتو کرد. در صورتی که اگر پیش‌نویس قطعنامه فوق تصویب می‌شد، خواستار دسترسی فوری غیر نظامیان در نوار غزه به خدمات اولیه بود. در این متن از طرفین خواسته شده بود که به طور کامل و بدون قید و شرط، تمامی مفاد قطعنامه ۲۷۳۵ شورای امنیت را اجرا کنند. این قطعنامه که توسط ایالات متحده ارائه شده بود، از حماس می‌خواست تمامی گروگان‌ها و زندانیان را با تبادل اسرای فلسطینی که در گروگان اسرائیل بودند، انجام دهد و بقایای کشته‌شدگان را نیز بازگرداند و در مقابل بر بازگشت غیر نظامیان فلسطینی به خانه‌ها و محله‌های خود در تمامی نقاط غزه و عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از مناطق تصرف شده تأکید داشت (United Nations, 20 November 2024).

مسکو ممکن است با توجه به مشکلات داخلی که دارد و اقتصادی که تحت تأثیر جنگ آسیب‌پذیر شده است، قدرت تأثیر و نفوذ عمیق بر تحولات و مسائل بین‌المللی نداشته باشد، اما تضاد آن با غرب قطعاً در مسائل مختلف جهانی احساس می‌شود (Mandelbaum, 1998). البته رویارویی روسیه با غرب را نباید تنها عامل تعیین‌کننده سیاست‌های کرملین در خلیج فارس و خاورمیانه در نظر گرفت (Kozhanov, 2022: 1). با این حال، پس از جنگ اوکراین، رویارویی روسیه با غرب مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده به سیاست‌های این کشور در منطقه و خصوصاً جنگ غزه است. در حقیقت کرملین همواره در صدد است از کارت منطقه به‌عنوان یک اهرم سیاسی در روابط با غرب و همچنین تقویت اعتبار قدرت حاکم استفاده کند (Khokhlova, 2024: 234).

اعلام موضع پوتین چند روز پس از جنگ بدون آنکه حماس را مقصر معرفی کند، شکست سیاست ایالات متحده در خاورمیانه را مورد تأکید قرار داد و هم‌زمان که حق اسرائیل برای دفاع از خود را تصدیق کرد، حمله آن به غزه را با محاصره لنینگراد توسط نازی‌ها مقایسه نمود که به نظر می‌رسد در راستای همین سیاست باشد. پس از بیانیه پوتین، روسیه قطعنامه‌ای را در شورای امنیت سازمان ملل

1 - Vasily Nebenzya

2 - Antony John Blinken

3 - Linda Thomas Greenfield

ارائه کرد که خواستار آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها که برخی از آنها شهروندان روسیه بودند، شد اما ایالات متحده به این دلیل که در این قطعنامه اشاره‌ای به حمله حماس نشده بود، آن را وتو کرد (Freedman, 13 May 2024). این موضع بینابینی را می‌توان بیشتر متأثر از تعارضات غرب به رهبری آمریکا با روسیه، خصوصاً بر سر مسئله اوکراین برشمرد.

هدف روسیه از تلاش برای میانجی‌گیری در درگیری اسرائیل و فلسطینیان خروج از انزوای بین‌المللی است که غرب سعی کرد پس از تهاجم روسیه به اوکراین بر مسکو تحمیل کند. به نظر می‌رسد در میان کشورهای غرب آسیا به‌ویژه میان کشورهای خلیج‌فارس که روابط نزدیکی با روسیه دارند، حماس شریک مورد علاقه‌ای که در اولویت اول سیاست خارجی روسیه باشد، نبوده اما این امر مانع همکاری روسیه با این گروه و حتی بهره‌برداری از روابط با آنها نشد. مسکو بیشتر از آنکه به معنای واقعی دنبال حل و فصل درگیری اسرائیل و فلسطین باشد، در حال وانمود کردن یافتن راه‌حلی برای این بحران است. در صورت حل و فصل این درگیری، به دلیل نیاز طرفین جنگ به بازسازی و توسعه اقتصادی، روسیه انتخاب آنها نخواهد بود، بلکه غزه و اسرائیل به جای نزدیکی به مسکو، سعی می‌کنند به چین و ایالات متحده نزدیک شوند. بر اساس این منطق، منافع روسیه نه در پایداری شرایط، بلکه در ناپایداری آن است. روسیه با استفاده از وضعیت ایجاد شده و استقبال از تشدید جنگ که آمریکا را از اهداف بلندمدت خود در قبال مسکو و پکن دوره کرده است، تلاش خود را خواهد کرد تا ضمن نهایی کردن سرانجام جنگ اوکراین با درگیر نگه داشتن آمریکا در بحران‌های بین‌المللی، رقیب خود را با خسارات متعدد مواجه کند که جنگ غزه یکی از همین موارد است که کاملاً منطبق با گزاره‌های رئالیسم تهاجمی از جمله ایجاد موازنه، آتش‌بیاری معرکه و طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش است.

نتیجه

هر چند حضور روسیه در خاورمیانه به سال‌های اخیر معطوف نمی‌شود و این کشور حتی در زمان شوروی هم علی‌رغم حضور اندک خود در منطقه، ارتباطاتی با بازیگران آن داشت، اما پس از روی کار آمدن پوتین و به‌ویژه بعد از انقلاب‌های عربی از سال ۲۰۱۱، نقش‌آفرینی مسکو در منطقه پررنگ شد. حضور فعال روسیه جهت حفظ رژیم اسد و نزدیکی با کشورهای عربی باعث تثبیت جایگاه روسیه به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند در منطقه شد. اگرچه بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین و الحاق کریمه از سوی روسیه موجب تیرگی بیش از پیش روابط این کشور با غرب شد، اما حمله آن به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ به‌عنوان نقطه عطفی در سیاست خارجی آن، تأثیرات عمیقی بر موقعیت و راهبردهای کلان مسکو

داشت که هزینه‌های گزافی نیز در حوزه داخلی و بین‌المللی بر این کشور وارد آورده است. تا جایی که مورد هدف بیشترین تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت و بخصوص با حمایت‌های گسترده نظامی ایالات متحده و کشورهای اروپایی به اوکراین، بر خلاف آنچه که تصور می‌شد، جنگ روسیه و اوکراین وارد دور فرسایشی خود شد که خارج شدن از آن برای طرفین به آسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. اما با انجام عملیات طوفان‌الاقصى توسط حماس علیه اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که موجب غافلگیری نهادهای اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل شد و آن‌ها را با انتقادات زیادی مواجه کرد، موجی از حمایت‌های بین‌المللی به‌ویژه از سوی جهان غرب به رهبری ایالات متحده به سمت اسرائیل روانه و تمرکز جهانی از جنگ اوکراین و ابعاد پیچیده آن به سمت غزه معطوف شد. در کنار حمایت‌های سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی غرب از اسرائیل در طول جنگ اخیر، بخش قابل توجهی از تسلیحات نظامی اسرائیل نیز توسط ایالات متحده تأمین می‌شود. در چنین شرایطی، روسیه جنگ بین غزه و اسرائیل را که تمرکز جهانی و بخصوص تمرکز غرب را از بحران اوکراین منحرف کرد، فرصتی برای خود در نظر گرفت تا چرخش کانون توجهات از شرق اروپا به غرب خاورمیانه را عاملی برای برون‌رفت آسان‌تر خود از بحران اوکراین تلقی کند. مسکو علی‌رغم اعلام بی‌طرفی در جنگ غزه و اسرائیل و البته حفظ ارتباط با طرفین درگیری، اصلی‌ترین دلیل گسترش ابعاد جنگی که پس از ۷ اکتبر در خاورمیانه به وقوع پیوست را یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل دانست و عدم حمایت ایالات متحده از طرح دو دولتی را محکوم کرد. در حقیقت هدف مسکو این است تا با محکومیت ایالات متحده، نه تنها با انتقادات و مخالفت‌های خود، نظم حاکم به محوریت غرب را زیر سؤال بکشد، بلکه در کنار حامیانی که از کشورهای در حال توسعه جنوب جهانی که بخش زیادی از آنها مواضعی همسو با غزه دارند، ضمن کسب جایگاه بهتر برای خود و به دست آوردن مشروعیت در این زمینه، از انزوای بین‌المللی که متعاقب جنگ اوکراین برای روسیه به وجود آمده، گذر کند. در حقیقت این مسئله برای نخبگان حاکم روسی روشن است که ایجاد هر گونه بحران در جهان که دخالت ایالات متحده را در بر داشته باشد، نه تنها فرصتی برای روسیه فراهم خواهد کرد، بلکه در شرایط فعلی که روسیه درگیر جنگ با اوکراین است، به کسب منافع بیشتر برای این کشور و هزینه‌های کمتر در جنگ که در نهایت احتمال پیروزی روسیه بر اوکراین را رقم خواهد زد، خواهد انجامید.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- شفیعی، سید محمد و گل محمدی، امیررضا (۱۴۰۳). بررسی نتایج عملیات ۷ اکتبر در رقابت هژمون‌ها و نقش بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه. *ماهنامه آفاق علوم انسانی*، ۸۸، ۴۲-۴۶.
- ۲- کولایی، الهه (۱۳۹۲). زمینه‌ها و عوامل توسعه روابط روسیه و حماس. *فصلنامه راهبرد*، ۲۲ (۶۶)، ۳۱۵-۳۳۸.
- ۳- نیاکویی، امیر و شجاعی، امیررهام (۱۴۰۲). واکاوی ابعاد جنگ روسیه و اوکراین از منظر واقع‌گرایی تهاجمی. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۳ (۳)، ۹۲-۶۵.

منابع غیر فارسی

- 1- Akhtar, R., Atif, M., & Ikhlaq, M. (2022). Russian Foreign Policy towards the Middle East under the Leadership of Vladimir Putin. *Pakistan Languages and Humanities Review*, 6(3), 783–793. doi:10.47205/plhr.2022(6-III)68.
- 2- Barmin, Yury. (2016). “Russia emerges as a center of gravity for Israel”, *Al-Monitor*, <https://www.al-monitor.com/originals/2016/11/russia-center-gravity-israel-palestine-mideast.html>.
- 3- Borshchevskaya, A. (15 April 2016). The Maturing of Israeli-Russian Relations” Washington Institute. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/maturing-israeli-russian-relations>.
- 4- Bryanski, G., & Korsunskaya, D. (21 November 2024). Economists see Russian Inflation Exceeding The central bank’s 2024 estimate, Reuters. <https://www.reuters.com/markets/europe/economists-see-russian-inflation-exceeding-central-banks-2024-estimate-2024-11-21/>.
- 5- Freedman, R. (13 May 2024). Russian Policies During the Israeli-Hamas War Since October the 7th, available at: <https://besacenter.org/russian-policies-during-the-israeli-hamas-war/>.
- 6- Hill, F., & Huggard, K. (31 January 2024). What is Russia’s role in the Israel-Gaza crisis? <https://www.brookings.edu/articles/what-is-russias-role-in-the-israel-gaza-crisis/>
- 7- Johnson, D., & Thayer BA. (2016). The evolution of offensive realism: Survival under anarchy from the Pleistocene to the present. *Politics and the Life Sciences*;35(1):1-26. doi:10.1017/pls.2016.6.
- 8- Katz, Mark N., (24 September 2010), “Russia’s Policy toward the Middle East”, *Russian Analytical Digest* No. 83.
- 9- Khokhlova, A. (2024). A Review of: “Russian Foreign Policy Towards the Middle East. New Trends, Old Traditions” edited by Nikolay Kozhanov. *Journal of Central and Eastern European African Studies*, 3(1), 234–239. doi:10.59569/jceas.2023.3.1.228.
- 10- Kozhanov, N. (2022; online edn, Oxford Academic, 19 Jan. 2023). 'Introduction', in Nikolay Kozhanov (ed.), *Russian Foreign Policy Towards the Middle East: New Trends, Old Traditions*. doi:10.1093/oso/9780197656556.003.0001.
- 11- Legvold, R., & Mandelbaum, M. (1998). The new Russian foreign policy. *Foreign Affairs*, 77, 162.
- 12- Mearsheimer, J.J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W. W. Norton.
- 13- Stognei, A., & Seddon, M. (2 February 2024). The surprising resilience of the Russian economy, *Financial Times*, <https://www.ft.com/content/d304a182-997d-4dae-98a1-aa7c691526db>.

- 14- Tass. (11 October 2024). Russia to play a role in resolving conflict between Israel, Palestine-Kremlin, <https://tass.com/politics/1688453>
- 15- United Nations. (20 November 2024). United States Vetoes Gaza ceasefire resolution at Security Council, <https://news.un.org/en/story/2024/11/1157216>.

منابع اینترنتی

- ۱- اکو ایران (۳ شهریور ۱۴۰۳). تحریم ۴۰۰ فرد و نهاد بین‌المللی؛ جنگ اقتصادی آمریکا علیه روسیه به مرحله جدیدی رسید. بازدید در تاریخ ۲۸ آذر ۱۴۰۳، قابل مشاهده در: <https://ecoiran.com/fa/tiny/news-70003>
- ۲- شریف‌زاده، زهرا (۱۴۰۳). رابطه روسیه و اسرائیل یک دوستی غیر محتمل، مجله ایرانی روابط بین‌الملل، بازدید در تاریخ ۲۶ آذر ۱۴۰۳. قابل دسترس در: yun.ir/lt2ug4
- ۳- میدل ایست نیوز (۱۷ فروردین ۱۳۹۹). همگرایی روسیه و جنبش حماس؛ بایسته‌ها و موانع. بازدید در تاریخ ۱ دی ۱۴۰۳، قابل مشاهده در: <https://mdeast.news/?p=50954>

